

آیا «اداره شورایی جامعه» در ایران ممکن است؟

از حکمتیست میپرسند:



مقدمه: حزب حکمتیست (خط رسمی)، سیاست‌ها و اقداماتش مورد سوال قرار می‌گیرد و تعدادی در این موارد اظهار نظر می‌کنند و یا انتقاداتی مطرح می‌کنند. نشریه حکمتیست در هر شماره یک یا چند مورد از این سوال‌ها را انتخاب می‌کند و با توجه به مضمون و محتوا، آنها را با رهبری حزب در میان می‌گذارد و پاسخ‌های آنها را، تحت عنوان «از حکمتیست می‌پرسند»، منتشر می‌کند. در این شماره یکی از این سوالات را با مظفر محمدی از رهبری حزب، در میان گذاشته‌ایم.

حکمتیست: حزب حکمتیست (خط رسمی)، «کنگره سراسری شوراهای مردمی» را تنها آلترناتیو مردمی و تنها ضامن دخالت همگانی مردم ایران در تعیین سرنوشت خود، امروز و در فردای پساجمهوری اسلامی ایران می‌داند. میپرسند که مبنای تشکیل این شوراهای مردمی چیست و چگونه میتوانند شکل بگیرند و در ایران اعلام موجودیت بکنند؟ موانع و مولفه‌هایی که در برپایی «شوراهای مردمی» در ایران باید از هم اکنون مد نظر باشند، چیست و اساسا این شوراهای چگونه در محلات کار و زیست مردم تاسیس میشوند؟ ... صفحه ۲

آینده افغانستان

محمد فتاحی

در متن تنفر عمومی از معامله امریکا و «جهان آزاد» و شوک ورود بی سرو صدای طالبان به کابل، و حتی در متن آوارگی مجدد مردم، مقاومت و مبارزه برای تغییر دچار وقفه نشد. اعتراض‌های مردمی زنان آزاده در مرکز شهر کابل، در اساس اعلام شروع یک جنگ رسمی علیه سیطره طالبان بود. تظاهرات هزاران افغانستانی ساکن شهر قم، حضور یکصدت صدها هزار جوان افغانستانی ساکن کشورهای غرب و حمایت وسیع بشریت آزاده، صحنه‌های دیگری از شروع مقاومت توده‌ای در مقابل طالبان در همان روزهای اول بودند. این تحرک وسیع، این شهامت زنان در شهر کابل و چشم در چشم طالبان، به همه ما میگوید که جامعه افغانستان در فاصله غیبت بیست ساله طالبان، تغییرات وسیعی کرده، توقعات بالایی شکل گرفته و پتانسیل سیاسی اجتماعی قابل توجهی برای دفاع از زندگی و حق و حقوق انسانی خود دارد. بعلاوه، نسل جوان پائین سی سال، که نیروی اصلی در این جنگ است، تجربه شکست جامعه در مقابل طالبان را ندارد. بخش وسیع افغانستانی‌های ساکن غرب نیز اساسا جوانانی‌اند که از ارزشها و سنن مدرن جامعه بشری تأثیر گرفته و وسیعا آنتگره شده‌اند. صدها هزار جوان خانواده‌های افغانستانی ساکن ایران هم تحت تأثیر رادیکالیسم ایران امروز‌اند. ... صفحه ۵

گزارشی از مارش همبستگی با مردم افغانستان در لندن

گزارشی از تظاهرات ضد جنگ در آلمان!

علیه کشتار جمعی سازمان یافته حکومتی! با عمل جمعی و سازمان یافته میلیونی مردمی! اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

بحران کشتار جمعی کرونا در ایران که توسط حاکمیت سازمان داده شده و جاری است، بحرانی که همچنان قربانی میگیرد و سایه شوم مرگش را بر فراز سر میلیونها نفر گسترده است، با اعتراض میلیونی مردم و فرمان ایست از جانب بخش‌های پیشرو جامعه مواجه شده است!

بحران و جنایتی که دیگر انکار آن از سوی سازماندهندگان غیرممکن است. معاون کل وزیر بهداشت با بیشرمی تمام از سه برابر بودن تعداد قربانیان از آمار رسمی و اعلام شده میگوید و فرمانده عملیات مقابله با کرونا در تهران با وقاحت اعلام میکند «ما به سازمان جهانی بهداشت آمار دروغ داده‌ایم!»

روزنامه جوان به نقل از یکی از استادان دانشگاه تهران تعداد قربانیان را هفت برابر آمار دروغین حکومت اعلام میکند و مینویسد: «هیچ جای دنیا ویروس به این آزادی انتشار پیدا نکرده و نمی‌کند!... در شهریور ماه سال گذشته (شهریور ۱۳۹۹) ما برآورد ۳۵۰ هزار مرگ را داشتیم». دیگری میگوید: «اقدامات فعلی کار کنترل علمی کووید نیست، بلکه از جان مردم مایه گذاشتن است!» همزمان گزارشهای متعدد از صف‌های طولیل و انتظار چند ساعته مردم برای واکسن و عدم وجود واکسن در مراکز واکسیناسیون در شهرهای مختلف، بیمارستان‌هایی که از کمبود تخت، دارو، سرم، اکسیژن رنج می‌برند و بیمارانی بدون کمترین امکانات پزشکی و ناتوان از پرداخت هزینه‌های سنگین درمانی در انتظار مرگ تدریجی و دردآور به سر می‌برند، صف مردم سوگوار برای تحویل جنازه عزیزانشان، ابعاد فاجعه بار و انسانی جنایت سازمان یافته علیه مردم محروم در ایران را نشان میدهد. علیرغم گذشت نزدیک به دو سال از این پاندمی، هنوز در ایران خبری از «مدیریت» آن، خبری از سیاست و اقداماتی روشن برای ممانعت از گسترش آن، برای حمایت از مبتلایان، برای دسترسی رایگان به خدمات پزشکی و در یک کلام برای حفاظت از جان هشتاد میلیون انسان در این مملکت نیست. علیرغم گذشت نزدیک به دو سال هنوز مردم برای زنده ماندن در نقطه صفر قرار دارند. هنوز میلیونها کارگر، معلم، دانشجو، کارمند و ... بدون کمترین امکاناتی در کارخانه، مدرسه، دانشگاه و ادارات و ... حضور پیدا میکنند. ... صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

مظفر محمدی: مبنا و هدف شوراهای مردمی بدوا و در یک کلام نفی نظام کنونی است. در مخالفت و رد آن است. راه حلی در مقابل نظام ظالمانه اقلیتی حاکم بر اکثریت جامعه است. راه و شیوه دیگر زندگی است.

اولین قدم در راه ایجاد شوراهای مردمی، نفی نظام سرمایه دارانه و ظالمانه و غیرعادلانه کنونی است. یعنی در هر حرکت اجتماعی، در هر اعتراض طبقاتی کارگر، در هر اظهار نظر مردمی، انسان آزاد به این باور رسیده باشد که این نظام مطلوب بشریت نیست. ظالمانه است. دشمن اکثریت است. جنگ افروز است. انسان کش است... اولین گام این است که مردم بگویند این نظام را نمی پذیریم. این روش زندگی را قبول نداریم. جامعه طبقاتی و اقلیت مفتخور و اکثریت کارکن و زحمتکش در شان بشر نیست. تقسیم جامعه به زن و مرد و به این و آن ملت و قوم و زبان و مذهب قابل قبول نیست. انسان انسان است و باید در همه نعمات جامعه شریک و سهیم باشد. هر وقت انسان به این نتیجه برسد که نان سفره خود و فرزندانم را دست کسی نمیدهم، نمیخواهم زیر خط فقر زندگی کنم، نمیخواهم شاهد تباهی جامعه توسط حکمرانان ظالم و فاسد و قاتل باشم، می خواهم آزاد و مرفه زندگی کنم، نمی خواهم سرباز هیچ جنگی باشم که حاکمان برای حفظ خود و منافع شان راه می اندازند. نمی خواهم نسل اندر نسل برده کار مزدی باشم... نمی خواهم در نظامی زندگی کنم که هر روز و هر بار در مقابل فقر و گرسنگی و بیماری و حقارت، از جانم و زندگیم مایه بگذارم... انسانی که به این باور رسیده باشد، برای مقابله با شرایط فلاکتبار زندگی و در مقابل نظامی که این شرایط را به جامعه تحمیل کرده دنبال راه حل و راه نجات می گردد. و این چیزی جز متحد شدن در شوراهای مردمی نیست. شکل این اتحاد و همبستگی و ایستادگی چیزی جز شورا نیست. تغییر این شرایط تحقیر آمیز و مرگبار کار افراد جدا از هم و حتی کار پیشروان کارگر و زحمتکش و زنان و جوانان به تنهایی نیست. کار کل انسان های جامعه است

اگر این نگاه به خود و جامعه و زندگی به آگاهی و داده بخش مهمی از کارگران و زحمتکش و محرومان جامعه تبدیل شود، آن وقت انسانی که دیگر حاضر به تن دادن به استثمار و ظلم و بی عدالتی نیست راهش را برای پایان دادن به این نظام پیدا می کند. و این راه جز نظام شورایی و دخالت اکثریت جامعه در تعیین سرنوشت نیست. راه دیگری وجود ندارد. جامعه بشری همه راه های نظام طبقاتی را آزموده و پیموده است. زمانی بورژوازی دولت رفاه داشت. یعنی کارگران از بخشی از سود سرمایه داران بهره مند شده و دستمزد بالاتر و ساعت کار کم تر و بیمه بیکاری و مسکن و آزادی تشکل و اعتصاب گرفتند. نیم قرن است این دولت رفاه هم به تاریخ سپرده شده است. راه و روش های بورژوازی اداره جامعه نه در گذشته و نه حالا مطلوب و شایسته و شان بشر نیست. در نظام حاکمیت اقلیت سرمایه دار و صاحب زر و زور نمی توان الگو و نمونه ای یافت که انسان در آن آزاد و برابر و مرفه و خوشبخت است. بشر امروز راه سر راست تر و مستقیم تری برای رهایی دارد. انسان امروز می تواند یک بار و برای همیشه از ظلم و ستم و بهره کشی و بی عدالتی نظام سرمایه داری آزاد و رها شود. نظام بورژوازی یک صد سال اخیر در جهان و نسل اندر نسل تا حالا و تا امروز آمده و همیشه اقلیتی صاحب زر و زور قدرت را گرفته و برای اکثریت جامعه تعیین تکلیف کرده است. در آزادترین کشور همین نظام، به مردم می گویند حق داری حزب درست کنی، سندیکا درست کنی، نماینده بفرستی، نامه بنویسی، اعتصاب و تحصن و تجمع کنی ولی حق نداری در اصل حاکمیت من شک کنی یا بخواهی من را پایین بکشی. قانون اساسی آزاد ترین کشورهای دنیا بر مبنای منفعت اقلیت و فرودستی اکثریت و بر مبنای پذیرش سرمایه و کار و سرمایه دار و کارگر نوشته شده است. تمام نظام های دنیا از آزادترین شان در غرب تا دیکتاتوری های نظامی و تا نظام های دینی و قبیله ای یک نقطه اشتراک دارند و آن این است که، جامعه طبقاتی است. یک عده سرمایه دارند و اکثریت برای این اقلیت کار می کنند و مزد می گیرند، سرباز می

شوند و مدارس و اداراتش را می چرخانند... در نتیجه مالکیت مقدس است و هر کس در آن شک کند علیه این نظام و یا کافر است.

برای حفظ این نظام، سرمایه داران شکل حکومتی مطلوب خود را دارند که در این یکصد سال تغییری نکرده و دارای همان قانون اساسی بر اساس سرمایه و کار و سرمایه دار و کارگر است. برای حفظ این نظام ارتش و پلیس و زندان درست کرده اند و برای فریب اکثریت مردم انتخابات و مجلس را دارند که هر چند سال یک بار به آدم هایی رای می دهند و به خانه می روند تا چهار سال بعد. پارلمان ها و مجلس های این نظام پرده فریبی برای مشروعیت دادن به نظام طبقاتی و تبعیض و ستم سرمایه داری است که در قانون اساسی و دیگر قوانین آن ثبت شده است. قانون اساسی بورژوازی خط قرمز او است. می توانی دستمزد بیشتر بخواهی، میتوانی بیمه بیکاری بخواهی یا مسکن و دارو اما نمی توانی در قانون اساسی دولتهای سرمایه داری شک کنی یا در نظام اقلیت حاکم و اکثریت کارکن و زحمتکش شک کنی...

در نظام های دیکتاتوری نظامی یا مذهبی، آش شورتر است و یک نفر به نام امیر و ولی فقیه و نماینده خدا حاکم است و هر چه او بگوید همان است. قانون اساسی این نوع نظام ها علاوه بر تقدس مالکیت خصوصی و جامعه طبقاتی، بر مبنای کتابی و قوانین است که گویا از آسمان آمده است. ۱۵ قرن پیش یک بابایی تهرانی نوشته و به نام آیه های آسمانی به خورد یک عده داده که مدعی پیغمبری شوند و همه باید به آن ملزم و از آن تبعیت کنند. اگر کسی خلاف آن گفت و یا عمل کرد کافر و محکوم به مرگ است. نسل کشی هایی که در این نظام طبقاتی و مذهبی شده است هر بار و هر موردش لرزه بر اندام انسان می اندازد! در یک کلام شورا در مقابل این نظام های طبقاتی چه از نوع دموکراسی غربی و چه دیکتاتوری نظامی و یا مذهبی از نوع جمهوری اسلامی و طالبان و داعش است. شورا غیر از این ها است. بر علیه این ها است. بر علیه نظام های طبقاتی جهان امروز است. شورا راه پایان دادن به حاکمیت بورژوازی و حکومت اقلیتی صاحب زر و زور بر اکثریت کارگر و زحمتکش و کارکن و محروم است.

بورژوازی و سخنگویان و مفسرین و محققین شان به مردم می گویند نظام شورایی به معنای قدرت و حاکمیت اکثریت و جامعه ی آزاد و برابر، نظامی شناخته شده نیست. یا می گویند تجربه شوروی شکست خورده دیگر چه می خواهید. همین است که هست و نظام کار مزدی و حکومت اقلیتی بر اکثریت مردم تنها راه حل و ازلی و ابدی است.

اما در دنیای واقعی و برای انسان آزاد جهان امروز نظام شورایی و اداره شورایی جامعه موضوعی پیچیده و غیر قابل دسترس نیست. به شرطی که،

اولا و بعنوان اولین قدم، مردم به نفی نظام طبقاتی و حاکمیت اقلیت بر اکثریت و نظام بردگی مزدی، بعنوان نظامی ناعادلانه و ضد انسانی برسند.

دوم این که به راه حل و شیوه دیگر زندگی و اداره جامعه بیندیشند که چیزی جز اداره شورایی جامعه نیست. طیف گسترده ای از پیشروان و آگاهان و مخالفان نظام ظالمانه طبقاتی، مبلخ و مروج و سازمانده قدرت توده ای مردم باشند و این قدرت چیزی جز شوراهای مردمی نیست. راه دیگری وجود ندارد. یا نظام طبقاتی سرمایه داری و حاکمیت اقلیت صاحب زر و زور بر اکثریت کارگر و زحمتکش و محروم، یا نظام شورایی و حاکمیت اکثریت و دخالت و اراده ی اکثریت بر سرنوشت خود و جامعه... راه سومی وجود ندارد. این که از راه فرم و و دموکراسی بورژوازی میشود نظام طبقاتی و ناعادلانه و ستمگرانه ی بورژوازی و حاکمیت اقلیت بر اکثریت مردم را تغییر داد، توهمی مرگبار و نسخه ای برای فریب مردم است.

تمام هنر و بحث و راه حل شورا مساله قدرت است. چه زمانی که اقلیت بورژوا حاکم است و مردم از طریق شوراهای برای گرفتن حق حقوق و نان و آزادیهایشان با ابزار قدرتمند شوراهای مردمی اعمال قدرت می کنند و چه زمانی که قدرت را از اقلیت حاکم گرفته و خود به دست می گیرند و کنگره سراسری شوراهای مردمی جایگزین نظام سرمایه دارانه و مذهبی جمهوری اسلامی میشود. ... ←

بیانیه حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها است

راهی جز متشکل شدن در شوراها و سازمان های مردمی نیست! برای گرفتن حق خود، برای «اداره شورایی جامعه» متحد و دست به کار شویم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (فکر می)

Worker Communist Party - Hekmatist

(Official Line)

hekmatishtx

hekmatishtx

hekmatishtx

dabirxane@hekmatisht.com

hekmatisht.com

واکسن سر از بازار سیاه در می آورد، میزان مرگ و میر را کم تر از نصف اعلام می کند و غیره، سوال این است که راه چاره مردم چیست؟ طبیعی است که راه چاره مبارزه با رژیم است که چنین فاجعه ای را برای جامعه خلق کرده است. اما راه موثر خاتمه دادن به این وضعیت این است که شوراهای مردمی در سراسر کشور سازمان پیدا کنند و با دخالت و فشار مستقیم توده ای خود مانع تداوم فاجعه ی کشتار دستجمعی و نظاره گری حاکمیت جنایتکار و فاسد شوند و راه های موثر از جمله واکسینه کردن همگانی و رایگان گسترده و فوری را در دستور بگذارند.

کارگران هفت تپه در جریان اعتصاب خود یکی از خواستهایشان واکسینه کردن رایگان است. تصور کنید اگر همین خواست را شوراهای کارگری نفت و پتروشیمی ها و ذوب آهن و ایران خودرو و معادن و شرکت واحد و غیره از یک طرف و شوراهای محلات شهرها از طرف دیگر اعلام کنند که در مدت زمان معینی کل مردم جامعه که در معرض بیماری کرونا هستند به فوریت و رایگان واکسینه شوند و فوراً و بلافاصله شهرهای قرمز تعطیل شوند، انوقت رژیم چه کاری از دستش بر می آید جز این که به این نیروی عظیم از پایین تمکین کند یا نه استعفا دهد و چاره کار را به صاحبان واقعی جامعه و مردم و شوراهایشان بسپارد...

در جامعه ما ده میلیون کارگر بیکار و فصلی اند، بیش از نصف جامعه زیر خط فقر زندگی می کنند، مساله نان سفره محرومان و گرسنگان و امروز کم آبی و قطع برق و ده ها و صدها مصیبت دیگر گریبانگیر جامعه ما است. راه مقابله با این مصائب، دخالت جمعی و سازمانیافته ی مردم از پایین است و شکل این دخالت مجامع عمومی، تصمیم گیری جمعی در شوراهای مردمی محل کار و زندگی است.

در یک کلام شورا یعنی این که افسار زندگی و سرنوشت اقتصادی و سیاسی و آزادیهای فردی و اجتماعی و مقابله با تبعیض جنسی و غیره دست پایین باشد. از همین حالا این اتفاق می تواند بیفتد. موکول کردن شوراها به بعد از سرنگونی در واقع این خطر را هم دارد که جناح های بورژوازی و راست اپوزیسیون در کمین، طبق همان سنت و عرف همیشگی دولت خود را تشکیل داده، نهادهای نظامی و امنیتی و اقتصادی و سیاسی همین رژیم را تحویل گرفته و در مقابل مردم بایستد و بخواهد که مردم صبر کنند تا آنها زیرپایشان را با وعده و وعید محکم کنند. برعهده پیشروان جامعه در میان کارگران و مردم است که از همین حالا به ابزار دخالت و اراده خود علیه همه ی فجایعی که بر سر مردم خراب شده است، به مجامع عمومی و شوراهای مردمی خود متوسل شوند...

تمرین اداره شورایی و دخالت شورایی در سرنوشت زندگی مردم از همین امروز حیاتی است. هر اندازه ابزار وجود امروزه و تحقق راه حل شورایی اداره جامعه، به همان اندازه راه برای کنگره سراسری شوراهای مردمی برای تعیین دولت اکثریت و اجرای قوانین مترقی و انسانی و آزاد را همواز می شود. کنگره سراسری شوراهای مردم آلتناتیو و شکل حاکمیت اکثریت مردم بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. وقتی نمایندگان هزاران شورای محل کار و زندگی در کنگره سراسری شوراها جمع می شوند، امر و کار وظیفه شان اجرای قوانینی است که از پایین و توسط شوراهای پایه

مصوب شده است. ... ←

شورا سر راست ترین و آسان ترین راه دخالت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت خود است. از آنجا که بیش از یک قرن است بورژوازی و طبقات دارا بر جامعه حکومت می کنند و از آنجا که اقلیتی سرمایه دار بر اکثریت مردم حاکم اند و راه دخالت مردم بطور مستقیم و از پایین را سد کرده اند، ممکن است برای بخشی از مردم بخصوص تحت ستم ترین بخش جامعه وقتی از اراده و دخالت مستقیم خود حرف به میان می آید، باورش مشکل باشد. چرا که در این یک قرن اراده و اختیار و اعتماد بنفس اکثریت محرومان جامعه از آنها گرفته شده و سرنوشت اقتصادی یعنی نان سفره و سرنوشت سیاسی یعنی آزادی از هر قیدی که بر سر راهش قرار دارد، به طبقات دارا سپرده شده است. باور به اداره شورایی جامعه اولین گام به طرف خاتمه دادن به حاکمیت اقلیتی مفتخور بر اکثریت مردم است.

آیا شوراهای مردمی در شرایطی که هنوز جمهوری اسلامی سر کار است می توانند تشکیل شوند؟ یا باید صبر کرد تا رژیم پایین کشیده شود بعد شوراهای سازمان یابند؟ پاسخ به روشنی این است که شورا در دورانی که هنوز حاکمیت اقلیت بورژوا و نهادهایش مثل مجلس و دستگاه های قضایی و نظامی و پلیسی به نام جمهوری اسلامی برقرار است، تا زمانی که این دستگاه ها برچیده می شوند، از همین امروز شورا مهم ترین و موثرترین پاسدار حقوق و معیشت و آزادیهای سیاسی مردم است. هیچ سازمان و نیرو و نهادهای به اندازه شورا بخاطر عمومی بودن و دخالت اکثریت کارگران و زحمتکشان در محل های کار و محلات زندگی در تعیین سرنوشت شان نمی تواند عامل فشار جدی بر رژیم برای تسلیم شدن و رضایت دادن به تامین معیشت و آزادیهای مردم باشد. هیچ قدرت مافوق مردم در مقابل اکثریت مردم سازمانیافته در شوراها، توان مقاومت ندارد. حتماً رژیم به آسانی تن به قدرت مردم در شوراها نمی دهد و بیکار نمی نشیند، اما شوراهای مردمی که همه مردم محل کار و زندگی را شامل می شود، نه قابل پیشگیری و نه قابل منحل شدن است، چرا که شوراهای سازمان یک بخش کوچک جامعه یا یک صنف نیست. در شکل شورایی، دولت در برابر اراده ی مردمانی قرار دارد که همه بطور مساوی و برابر عضو شورای خود هستند. شوراهای مردمی یک حزب و اعضایش یا یک سندیکا و انجمن نیست که رژیم بخواهد درب دفترشان را ببندد و روسا و هیات مدیره هایشان را تحت تعقیب قرار دهد. نمیتوان شوراهای مردمی همه کارگران یک محل کار یا مردم یک محله و شهر را منحل کرد!

تصور کنید در یک محل کار چند هزار کارگر شورای خود را تشکیل داده اند. به این معنا شورا یعنی حضور و اراده و دخالت همه ی کارگران آن محل کار است. اگر کارفرما و دولت فکر کند با دستگیر کردن چند عضو، شورا تعطیل می شود، سخت در اشتباه است. در یک شورای واقعی در فردای دستگیری چند نفر، صدها و هزاران کارگر به میدان می آیند. به این ترتیب شورا تا زمانی که همه ی اهالی یک محله یا کارکنان یک بخش که هر کدام خود را عضو شورا می نامند، غیر قابل منحل شدن است. برای این که حاکمیت اقلیت سرمایه داران، شورا را منحل کند باید همه اعضای چند صد و چند هزار عضو آن را دستگیر کرده یا آن محل کار را تعطیل نموده یا اهالی یک محله را متفرق کند. تا زمانی که همه ی زنان و مردان یک محل کار و یا محله زندگی نفس می کشند شورا هم نفس می کشد. بنا بر این انحلال شورا برای اقلیت حاکم غیر ممکن می شود.

پایه و اساس شوراها مجامع عمومی است. شورا هیچ راه و رسم بوروکراتیک و قوانین و اساسنامه و مرامنامه ای جز منافع کل کارکنان و یا ساکنان یک محل ندارد. شورا به هیچ دستگاه و نهاد دولتی و غیر دولتی وابسته و بدهکار نیست. هیچ قدرتی مافوق شورا وجود ندارد. به همین دلیل شوراهای کارگری و مردمی، نماینده منفعت کل اعضای محل کار و زندگی مردم است.

اگر شورا به معنای دخالت مستقیم و از پایین مردم در سرنوشت خویش است، قاعدتاً این مردم تحت هر شرایطی باید به این شیوه دخالتگری دست ببرند. برای مثال در همین فصل مرگ و میر دستجمعی مردم از کرونا که تا کنون جمهوری اسلامی به عناوین مختلف از چاره جویی و جلوگیری از این مرگ جمعی سر باز می زند، در اوایل از وارد کردن واکسن جلوگیری می کند، شهرهایی که در وضعیت بحرانی هستند را قرنطینه نمی کند چرا که از تامین معیشت مردم در شرایط تعطیلی کار عاجز است یا سر باز می زند. مراسم های مذهبی و دولتی انتخابات و محرم و زیارتگاه ها و مساجد کماکان کار می کنند و بسته نمی شوند، دارو و

کنگره سراسری شوراهای مردم، پارلمان و مجلس نمایندگان یک کشور نیست که برای مثلا چهار سال انتخاب شده و برای مردم قانون می نویسد. کنگره و دولتی که تشکیل می دهد تنها و تنها زمانی سرپا است که رای و اعتماد شوراهای پایه را داشته باشند. هر وقت این اعتماد از نمایندگان معینی سلب شد، آنها را عزل و نمایندگان جدید جانشین می شوند. یعنی عزل و نصب و تصمیم گیری در باره اعضای شوراهای و به اصطلاح ریش و قیچی دست پایین است. دست شوراهای پایه در محل های کار و محلات زندگی است.

یک مثال شاید بیشتر کمک کند که جایگاه شورا و قدرت اکثریت مردمان جامعه چه معنا دارد. ما برای کنگره سراسری شوراهای مردمی، قوانینی را پیشنهاد کرده ایم. اگر این قوانین از جانب شوراهای محل کار و محلات زندگی مردم تایید شود این می شود مبنای قانون اساسی کنگره سراسری شوراها. این را هم باید پذیرفت که ما شاهد گرایشات و تفاوت نظر و عقاید در میان شوراها و یا کنگره سراسری شوراهای مردمی خواهیم بود و این امری طبیعی است. ولی تا زمانی که قوانین مصوب شوراهای مردمی و منفعت اکثریت جامعه مسجل شده است، هیچ نظر مخالفی نمی تواند به این منفعت خدشه وارد کرده یا مانع آن شود. در خاتمه می خواهیم دو مساله را خاطر نشان کنم. یکی این است که شوراهای مردمی و کنگره سراسری شوراهای مردمی هیچ اسم و لقب قومی، مذهبی، نژادی و جنسیتی ندارد. شوراهای محل کار و زندگی شورا همه ی کارکنان و ساکنان آن هستند. هر پسوند یا قید و شرطی بر سر راه شوراهای مردمی به معنای نفی واقعیت آن است. در نتیجه ما شورایی به نام اسلامی یا شوری این و آن ملیت و مذهب و زبان و نژاد نخواهیم داشت. شورای واقعی چه در کارخانه ها و چه در محلات و شهرها و در میان کارگران و مردم، شوراهای مردمی است. شورای همه ی کارگران یک کارخانه، شورای همه ی مردم یک محله و یا شورای یک بخش و شهرستان و شهر است.

دوم این است که در نظام شورایی احزاب نیستند که به قدرت می رسند، دکتر مهندس ها و فیلسوف ها و از ما بهتران نیست یا الیت مافوق جامعه نیست که قدرت را می گیرد. قدرت ارث کسی نیست تا به بازماندگانش سپرده شود. نظام اسلامی مجاهدینی نیست که یک روستا را در کنترل ندارد ولی خود را رییس جمهور ایران نام نهاده است. یا نظام لیبرال های شورای مدیریت گذار یا نظام موروثی شاهنشاهی پهلوی نیست. اگر هر کدام از این جناح های بورژوازی و مذهبی بخواهند به قدرت فکر کنند باید شانس خود را در نظام شوراهای مردمی و کنگره سراسری شوراها امتحان کنند. ما شکی نداریم که کنگره سراسری شوراهای مردمی هیچ شانسی به هیچ جناح بورژوازی برای تحمیل قوانین و قدرت مافوق مردم نمی دهد!

نظام شورایی و قدرت مردمی، چیزی جز بازگرداندن اراده و اختیار به انسان نیست، چیزی جز بنیان نظام سوسیالیستی آزاد و برابر نیست! فعالین و دوستداران سوسیالیسم و جامعه ی آزاد و برابر سرسخت ترین مدافع نظام شورایی و مجرب ترین و جدی ترین انسان های سازمانده شوراهای مردمی همین امروز و در محیط های کار و محلات و شهرهای محل زندگی و کنگره سراسری شوراهای مردمی جایگزین نظام بورژوازی و مذهبی جمهوری اسلامی هستند!

بر هر انسان ازادبخواه و برابری طلبی است که تمام هم خود را برای سازماندهی مجامع عمومی و شوراهای مردمی بکار گرفته و زمینه ی آلتناکیو کنگره سراسری شوراهای مردم را فراهم کنند! شکی نیست که تجربه شورایی و دخالت و به میدان آوردن اراده انسان ها می تواند هم هزینه ی پایین کشیدن جمهوری اسلامی را کم کند و هم افق روشن قدرت نظام شوراهای مردمی را اعلام می کند!

مبتلایان به کرونا بی بیمارستان های بی امکانات و مملو از بیمار و با بازار سیاه اکسیژن، دارو، سرم و ... با قیمت های چند برابر روبرو میشوند. کرونا را ارزان و رایگان در جامعه رها کرده اند و راه های مداوای آنرا چنان هنگفت و سنگین کرده اند که فقط «ژن برتری ها»، «آقازاده ها» و معدودی «خوش شانس» از عهده آن بر می آیند.

چه کسی است که نداد مسبب این فاجعه انسانی و کشتار جمعی نه کرونا که حاکمیتی است که عامدانه نه فقط هیچ اقدامی برای مقابله با این بیماری کشنده نکرده است، بلکه از آن بعنوان «برکتی» برای قتل عام مردمی که برای یک زندگی انسانی به پا خاسته اند، استفاده کرده و میکند. حاکمیتی که در یک چشم به هم زدن برای عمده و اکثر خود در حوزه های علمیه، برای جنایتکاران حرفه ای اش در سپاه و بسیج و سپاه قدس و ... میلیاردها دلار خرج میکند، اما حفظ جان و سلامت هشتاد میلیون نفر، برای نجات شهروندان جامعه برایشان «زمان بر» است و از مردم انتظار دارند «مثل چهار دهه گذشته صبر پیشه کنند»!

چه کسی است که نداد تلاش دولت ریسی در پاس دادن مسئولیت به دولت قبلی، تلاش مقامات و میدیای رسمی در توجیه فرمان خامنه ای در ممنوعیت ورود واکسن و انداختن گناه کشتار جمعی به دولت و مسئولین دولتی و تقاضای مجازات «متخلفین»، تبلیغات پوچ و ادعاهای توخالی در مورد ورود واکسن و وعده واکسیناسیون رایگان و ... همه و همه تلاشهایی عبث برای قبولاندن و تحمیل سیاست انتظار و صبر به مردمی است که مدتها است اعلام کرده اند که در مقابل بی مسئولیتی حاکمیت، در مقابل تحمیل فقر و فلاکت و مرگ کرونایی صبر را پیشه نمیکنند.

اعلام جرم سازمانهای کارگری، معلمان، بازنشستگان و هفت وکیل و فعال اجتماعی علیه مسببین این جنایت، علیه شخص خامنه ای، اعتراض شخصیت ها و فعالین کارگری و اجتماعی به مراجع جهانی، خواست واکسیناسیون فوری و رایگان همه کارگران و کارکنان جامعه، دسترسی رایگان به خدمات درمانی، تامین معیشت مزد بگیران، بیکاران و فرودستان مبتلا به کرونا و در قرنطینه و ... از طرف سازمانهای مستقل کارگری و ... همه و همه عزم جزم جامعه برای پایان دادن به این کشتار جمعی سازمانیافته است. این فرمان ایست از جانب بخش های پیشرو جامعه، نازه آغاز جدال سازمانیافته میلیونی و مردمی در سراسر ایران است! جدالی که ورق را میتواند سرعت برگرداند! میتواند نه تنها در مقابل قربانی شدن بیشتر مردم سد ببندد، که از آن بیشتر، سلامتی و بهداشت و رفاه و سعادت به تساوی و برای همگان را سرعت و به قدرت میلیونی مردم، در ایران ممکن کند!

میتواند حساب های مشتی انگل بی مسئولیت، در ادامه تحمل جامعه در مقابل این کشتار جمعی و سازمان یافته، را تماما برهم زند! میتواند مجبورشان کند یا سرکیسه را شل کنند و هزینه های هنگفت دستگاه گنبدیه حاکمیت شان را خرج سلامتی مردم و واکسیناسیون رایگان و فوری همگان کنند، یا گورشان را کم کنند تا مردم مقدرات شان را، با دسترسی به همه منابع ثروت و امکانات جامعه، که غصب شده و گروگان حفظ دستگاه حاکمیت شده است، مردم را واکسینه کنند و نجات دهند!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲ سپتامبر ۲۰۲۱

واکسن کرونا را رایگان

کنید!

تبعیض و نابرابری را لغو کنید!

نه قومی نه مذهبی زنده باد همویت انسانی

حمایت وسیع از مقاومت در مقابل طالبان در جوامع مدرن غربی هم بخشی از پتانسیل مقاومت و جنگ علیه طالبان است. همه این داده ها به ما میگوید که دوره آتی، چیزی جز ادامه جنگی نخواهد بود که آن گروه از زنان قهرمان در کابل و چشم و چشم طالبان ها، شروع آنرا اعلام کردند.

مشخصه دیگر خصومت این جبهه با حاکمیت، ساختار قبیله ای و قومی و مذهبی است که در آن، موزائیکی از سران عشایر و طایفه و اقوام و مذاهب، در شکل لویه جرگه جایی برای نفس کشیدن و اعمال اراده مستقیم انسان آزاده ندارد. مقاومت زنان و مردان آزاده افغانستان، چه در افغانستان و چه در خارج، مقاومت جامعه ای است که علیرغم سیاست آمریکا در قومی - عشیره ای و مذهبی کردن جامعه، هویت خود را به عشیره و قوم و مذهبی گره نزدند و بعنوان انسانهای قرن بیست و یک برای حقوق جهانشمول خود علیه طالبان و ارتجاع مذهبی دست به مقاومت زدند.

این جنگ یک طرفه، و قبل از آمادگی جامعه برای یک مقاومت سازمان یافته، شروع شد. علیرغم علنی بودن مذاکرات دولت دونالد ترامپ با طالبان و دعوت از آن برای مشارکت در حاکمیت، سرعت برق آسای پیشروی طالبان و مقاومت نکردن ارتش پوشالی افغانستان، همه از آمریکا تا مردم افغانستان را غافلگیر کرد. هماغذ که آمریکا و ناتو غافلگیر شدند و قیمت میلیاردها دلار اسلحه سبک و سنگین و تانک و ... را برای طالبان جا گذاشتند و به زور نیروی خود را خارج کردند، مردم افغانستان هم شانس و امکان شکل دادن و سازمان دادن خود برای مقاومت در مقابل طالبان را پیدا نکردند. در چشم مردم در افغانستان، فرار ارتش افغانستان و رئیس جمهور مملکت و تحویل دادن جامعه به طالبان، دقیقاً شبیه کودتایی بود که اول زمزمه اش می آمد و قبل از چشم باز کردن جامعه، آن کودتا عملی شد. در چنین حالتی، دقیقاً مانند هر جامعه ای که در آن کودتایی رخ داده است، با استفاده از همان ابزارهای دم دست سراغ مقابله و مقاومت می رود؛ چیزی که در افغانستان هم روی داد؛ جرگه مقاومت توسط زنان در کابل، تظاهرات در قم و همزمان تظاهرات های وسیع در خارج از افغانستان شروع این مقاومت توده ای بودند. اما اگر این مقاومت اولیه بخواهد به یک جنگ سازمان یافته سیاسی نقشه مند تبدیل شود، به یک مرکز فرماندهی نیازمند است.

برای دستیابی به شاکله چنین مرکزی، باید معلوم شود که نیروی جنگ با طالبان چه میخواید یا چه چیزی نمی خواهد و چه پتانسیل هایی هم برای این جنگ دارد. اولین اعتراض میلیونی به موجودیت طالبانی است، که اعتراض است به قوانین و فرهنگ و سنت اسلامی، اعتراض است به دخالت مذهب در زندگی خصوصی، در آموزش پرورش، در دولت، و بطور کلی در تمام عرصه های زندگی، اعتراض است به تبعیض علیه زن، به نابرابری جنسیتی در جامعه، به بی ارزشی انسان و حرمت و کرامت انسان و به نداشتن اختیار در دستان خود انسان، است. پتانسیل و اعتراض دیگری هم در درون این جامعه است که علیه حاکمیت قومی قبلاً شکل گرفته بوده است؛ یعنی نه به قومی کردن سیاست، نه به تقسیم جامعه به اقوام و طوایف و عشایر، که مبنای تفرقه و خصومت قومی و ملی و مذهبی بوده است. نه فقط این بلکه همین تقسیم بندی کاذب، به حاکمیت سران طوایف و اقوام در شکل لویه جرگه رسمیت داده است، که زیر سیطره آن، اختیاری برای شهروندان جامعه به عنوان انسان های مستقل و صاحب رای و

اختیار باقی نگذاشته بود. کنار زدن اینها از حکمیت، به عنوان جنایتکاران و جنگ سالاران سابق، قبلاً هم بخشی از دعوای پرنرگ در متن جامعه، در دوران همین دولت پوشالی سابق بوده است.

پتانسیل دیگری که محصول نقش نسل جوان امروز در زندگی اجتماعی است، یک فرهنگ مدرن منکی بر ارزشها و دستاوردهای جوامع غربی است، که به جوار شدن سنن کهنه و عهد عتیقی از زندگی و رهایی انسان از قید و بندهای سیاسی، فکری و عقیدتی کمک می کند.

این پتانسیل ها و ظرفیت ها و ارزش های سیاسی اجتماعی، خمیرمایه شکل گیری نه فقط یک مقاومت پایه دار توده ای، بلکه خمیرمایه شکل گیری یک مراکز روشن بین سیاسی برای هدایت این مقاومت هم هست. مرکز یا فرماندهی سیاسی جنگ علیه طالبان، میتواند تمام این ظرفیت های اجتماعی را بشمارد، و جامعه را با اتکا به آن سازمان دهد و توانایی های بالقوه را به فعل در آورد. چنین مرکزی، ناچار است برای تمام اعتراضات عادلانه و آزادیخواهانه پاسخ روشن داشته باشد. برای این کار چنین مرکزی نمی تواند به مذهب، به هیچ مذهبی، آوانس بدهد. نمی تواند به قوم پرستی و قبیله گری فرصت دهد، نمی تواند با مردسالاری کنار بیاید، نمی تواند با سنن و فرهنگ و عادات آبا و اجدادی بسازد، نمی تواند بر برابری تمام و کمال زن و مرد در تمام عرصه های زندگی، تاکید نکند، نمی تواند بالاترین ارزشهای یک جامعه مدرن غربی را همراه خود نداشته باشد، و نمی تواند عدالت خواهی و برابری طلبی تمام عیار، یک رکن اصلی کار سیاست و استراتژی اش نباشد...

در پایان لازم است گفته شود که نیروهای سیاسی، بعد از بیرون آمدن از شوک اولیه، مراکز سیاسی لازم را سازمان خواهند داد و برای این جنبش موجود برنامه و افق و سازمان در اختیار جامعه قرار خواهند گذاشت.

در کنار اینها، لازم به گفتن نیست که کمک و حمایت کمونیست ها و سوسیالیست ها در ایران که امروز مرکز نبض آزادیخواهی در منطقه است، با دست باز در اختیار مبارزین آزادیخواه افغانستان است. کمک گرفتن از تجربه کمونیست های ایران، برای شکل دادن به یک مرکز سیاسی آزادیبخش، یکی از منابعی است که هر آزادیخواه افغانستانی میتواند روی آن حساب کند. بعلاوه، حزب ما آماده است تا در این راه از هیچ کمکی دریغ نرورد.

مردم آزادیخواه!

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید!

در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید!

باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استثمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواستهای شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت.

حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

اگر دنیا دست ما باشد

اگر دنیا دست ما باشد جنگ و آوارگی و فراری در کار نخواهد بود؛ صلح و آرامش گذرگاههایش را می آریند...

اگر دنیا دست ما باشد هیچ انسانی از بی سربنایی و نایبیتی در عذاب نخواهد بود؛ سعادت و خوشبختی به وفور یافت می شود...

اگر قدرت دست طبقه کارگر و شوراهای مردمی باشد، فقر، فلاکت و بی خانمانی رخت برخواهد بست...

اگر جهان به دست ما کمونیست ها باشد، تمام کانگسترهای قومی - مذهبی، تمام باندهای دست ساز «دمکراسی غربی» را با قدرت سرخ خود، با میلیس توده ای و مردمی از صحن جامعه جارو خواهیم کرد.

اگر در ایران قدرت به دست دنگره سراسری شوراهای مردمی باشد، مهر باطل بر سیاست های ارتجاعی، تروریستی و رقابت های منطقه ای جمهوری اسلامی با سایرین خواهیم کوبید و پیمان صلح و آشتی با همه کشورهای جهان خواهیم بست!



گزارشی از تظاهرات ضد جنگ در آلمان!

امروز یکم سپتامبر به رسم هرساله در آلمان احزاب چپ و کمونیست علیه جنگ تظاهرات برپا کردند!
تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) در کلن و هامبورگ به استقبال این روز رفتند. در این تظاهرات متن زیر به زبان آلمانی توسط رفقای واحد کلن خوانده شد:

«آنچه در دنیا در حال اتفاق افتادن است تصاویری از قتل و کشتار و نابودی انسان در مقیاسی به وسعت جهان است. تصاویر موجود به مانند تصاویر فیلمهای اکشن هالیوودی و بالیوودی است تنها با یک تفاوت که کارگردان و بانی قتل عام بشر و جنگهای عینی و واقعی دنیای امروز، نظام کاپیتالیستی حاکم است. سرمایه داری به عنوان یک نظام و دولتهای امپریالیستی، دنیا را از دریچه سود و انباشت آن می نگرند و بر همین مبنا ائتلافها و جنگها و نقشه تقسیم جهان را تنها و تنها از این دریچه نگاه می کنند. در این نظام طبقاتی آنچه از کمترین ارزشی برخوردار است جان انسان است. انسان در نظام بورژوازی عصری در خدمت انباشت سود و سرمایه باید باشد.
گسترش جنگهای دنیای امروز، ریختن بمبهای اتمی بر هیروشیما و ناگازاکی، کشتار در افغانستان، سوریه، لیبی، شیلی و هرجا اثری از این نظام فاسد و وارونه باشد تنها و تنها نتیجه سیاستهای نظام کاپیتالیستی حاکم در سطح دنیا است. تحمیل انواع جانور اسلامی و دولتهای تا مغز استخوان پوسیده و ارتجاعی در خاورمیانه به ویژه در ایران و افغانستان و تعرض به نظامهای آزادیخواه به بهانه دفاع از دموکراسی ارمغان خونین، دولتهای امپریالیستی به نام دموکراسی غربی برای جهان امروز است. مضاف بر اینها نابودی محیط زیست و تحمیل نوعی جنگ بیولوژیک و کشتار انسانها تنها برای تثبیت و ابدی کردن نظام موجود، سیاستهای نوین دول حاکم و امپریالیستی در این دوره است. کرونا یکی از تلخترین تجارب انسان امروز در این دوره است.
این نظام وارونه، این نظام غیر انسانی و ضد تمدن بشری و این نظام تحمیل فقر و فلاکت و رنج و عذاب به بخش عظیمی از بشریت امروز را باید واژگون کرد. نیروی فعاله و تنها نیروی که در این نظام تولیدی تمام ویژگی و خصوصیات واژگونی نظام کاپیتالیستی را دارد طبقه کارگر است. این طبقه بنا به موقعیتش در تولید سرمایه داری تنها نیروی سرنگون کننده سیستم حاکم است. طبقه کارگری که حول حزب کارگری کمونیستی اش جمع شده و با پرچم مانیفست بایستی برای همیشه بشریت را با یک انقلاب کارگری کمونیستی از هر نوع بی عدالتی و نابرابری در تمام شئون زندگی رها سازد و اختیار را به انسان نه به عنوان بردگان مزدی بلکه به مانند انسانهای مرفه، آزاد و برابر بازگرداند. تنها در یک انقلاب سوسیالیستی این امر ممکن خواهد شد. برای ایجاد انقلاب سوسیالیستی باید متحد شد، باید سازمان داد و باید حزب کمونیستی و کارگری در راس چنین حرکت اجتماعی قرار گیرد. این کار با وجود عینیت های دنیای امروز ممکن و ضروری است.»

زندۀ باد انقلاب سوسیالیستی

تشکیلات آلمان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲ سپتامبر ۲۰۲۱

قدرت طبقه کارگر
در اتحاد و تشکّل اوست!

گزارشی از مارش همبستگی با مردم افغانستان در لندن

روز شنبه ششم شهریور برابر با ۲۸ آگوست، مارش و تجمعی در حمایت و همبستگی با مردم افغانستان و در اعتراض به دست نشانده ناتو (طالبان) در مرکز شهر لندن برگزار گردید. بخشی از مطالبات و شعارهای اصلی شرکت کنندگان حول محکوم کردن سیاست آمریکا، انگلستان و ناتو در افغانستان، بویژه حمایت و تقویت نیروهای تروریست اسلامی و برسمیت شناختن آنها، و همچنین در خواست حمایت بین المللی از مردم افغانستان و بیرون کردن طالبان از افغانستان بود. این برنامه، سراسری و به گفته برگزار کنندگان در مراسم همزمان در چهل و سه شهر جهان برگزار گردید. سازمان دهندگان آن فعالین نسل جوان افغان در اروپا بودند که مخالف طالبان و سیاست های آمریکا و غرب در افغانستان هستند. تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) به همراه رفقای از تشکیلات حزب کمونیست کارگری عراق / کردستان، با پلاکاردهای خود علیه طالبان و تمام دولتهایی که طالبان را به رسمیت شناخته اند، در این تجمع و مارش شرکت کردند. تشکیلات لندن حزب در ادامه فعالیت های بین المللی خود برای مقابله با سیاست های غیر انسانی بورژوازی غرب و ارتجاع و انقیاد مذهبی بویژه در خاورمیانه که آنجا را به خون کشیده اند، به برنامه های خود در این راستا بعنوان بخشی از فعالیت هایش ادامه میدهد.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۹ اوت ۲۰۲۱



مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

مردم آزادیخواه!

طغیان میلیونی و متحدانه شما علیه بی‌آبی و بی‌برقی، گرانی و بیکاری، فقر و فساد و بی‌مسئولیتی انگل‌های در حاکمیت، اعتراض به دهها و دهها درد درمان نشده جامعه هشتاد میلیونی به فقر و فلاکت کشیده شده ایران، باید به پیروزی برسد!

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید!

در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید!

باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استثمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواسته‌های شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت.

حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!